

102

F

نام:

نام خانوادگی:

محل امضاء:



102F

صبح چهارشنبه

۹۳/۱۱/۱۵



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
سازمان سنجش آموزش کشور

اگر دانشگاه اصلاح شود، مملکت اصلاح می‌شود.

امام خمینی (ره)

## آزمون ورودی دوره‌های کارشناسی ارشد ناپیوسته داخل - سال ۱۳۹۴

### مجموعه زبان آلمانی - کد ۱۱۲۴

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سوال: ۱۲۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سوال‌ها

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سوال	از شماره	تا شماره
۱	ترجمه متون آلمانی به فارسی	۵۵	۱	۵۵
۲	ترجمه متون فارسی به آلمانی	۴۵	۵۶	۱۰۰
۳	آیین نگارش	۲۰	۱۰۱	۱۲۰

این آزمون نمره منفی دارد.  
استفاده از ماشین حساب مجاز نمی‌باشد.

بهمن ماه - سال ۱۳۹۳

حق چاپ، تکثیر و انتشار سوالات به هر روش (الکترونیکی و ...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.

## ترجمه متون آلمانی به فارسی:

راهنمایی: مناسب‌ترین ترجمه برای جمله‌ها و عبارتهای ۱ تا ۲۰، کدام است؟

1- **Der Schiedsgerichtshof in Den Haag entschied, dass Russland den Ölkonzern „Yoko“ absichtlich in den Bankrott getrieben hat.**

- (۱) بر اساس حکم دیوان قضایی داوری در لاهه، روسیه کارتل نفتی «یوکو» را به عمد در لیست قرمز بانک‌ها قرار داده است.  
 (۲) بنا به تصمیم دادگاه قضایی داوری در لاهه، روسیه تعمداً به شرکت نفتی «یوکو» وام سنگین بانکی اعطا کرده است.  
 (۳) بر اساس تصمیم دادگاه داوری در لاهه، روسیه تعمداً از تخصیص وام بانکی به کارتل نفتی «یوکو» سرباز زده است.  
 (۴) بنا به حکم دیوان داوری در لاهه، روسیه شرکت نفتی «یوکو» را به عمد ورشکست کرده است.

2- **In Abwesenheit vom Olympialsieger und Weltrekordhalter Bolt hat dessen Landsmann Cole die Goldmedaille über 100 Meter bei der Weltmeisterschaft gewonnen.**

- (۱) کول در غیاب هم‌وطن خود، بولت، فاتح المپیک و دارنده رکورد جهان، به مدال طلای دوهای بالای صد متر در مسابقات قهرمانی جهان رسید.  
 (۲) در غیاب هم‌وطن خود، بولت، قهرمان المپیک و رکورددار جهان، کول برنده مدال طلای دوی بالای صد متر در مسابقات قهرمانی جهان شد.  
 (۳) کول در غیاب هم‌وطن خود، بولت، قهرمان المپیک و رکورددار جهان، برنده مدال طلای دوی صد متر در مسابقات قهرمانی جهان شد.  
 (۴) در غیاب بولت، فاتح المپیک و دارنده رکورد جهانی، هم‌وطن وی کول برنده مدال طلای دوی مافوق صد متر در مسابقات قهرمانی جهان شد.

3- **Ein Gericht in L.A. wies die Forderung des auf Lebenszeit gesperrten Klubbesitzers Los Angeles Klippers nach einer einstweiligen Verfügung gegen den Kauf der Klippers ab.**

- (۱) دادگاهی در لس آنجلس درخواست مالک مادام‌العمر و محروم باشگاه لس آنجلس کلیپرز مبنی بر صدور حکم موقت علیه خرید این باشگاه را رد کرد.  
 (۲) دادگاهی در لس آنجلس در حکم خود شکایت مالک مادام‌العمر و محروم باشگاه لس آنجلس کلیپرز را نسبت به صدور حکم قطعی در قبال خرید این باشگاه رد کرد.  
 (۳) دادگاهی در لس آنجلس مطالبه صاحب مادام‌العمر و محروم باشگاه لس آنجلس کلیپرز را در ارتباط با در اختیار گرفتن یک طرفه آن در قبال خرید منتفی دانست.  
 (۴) بر اساس حکم دادگاهی در لس آنجلس درخواست صاحب مادام‌العمر و محروم باشگاه لس آنجلس کلیپرز مبنی بر صدور یک حکم قطعی برای خرید این باشگاه مورد موافقت قرار نگرفت.

4- **In Deutschland wurde am Dienstag ein fünfzigjähriger Polizist, der nicht im Dienst und in Zivil war, erschossen.**

- (۱) روز سه‌شنبه در آلمان یک پلیس پنجاه ساله که برای انجام کاری شخصی محل خدمت خود را ترک کرده بود، با شلیک گلوله به قتل رسید.  
 (۲) روز سه‌شنبه در آلمان یک پلیس پنجاه ساله که برای انجام خدمات عام‌المنفعه بر سرکار حاضر نشده بود، با شلیک گلوله به قتل رسید.  
 (۳) روز سه‌شنبه در آلمان یک پلیس پنجاه ساله که محل کار خود را ترک کرده و در حال انجام امور شخصی بود، به قتل رسید.  
 (۴) روز سه‌شنبه در آلمان یک پلیس پنجاه ساله که در حال انجام وظیفه نبوده و لباس شخصی پوشیده بود، به قتل رسید.

- 5- Nur jede dritte Arztpraxis in Deutschland ist für Rollstuhlfahrer zugänglich.**
- (۱) برای کسانی که در آلمان ویلچر می‌رانند، نسبت تخصیص مطب‌های پزشکی فقط یک به سه است.
  - (۲) برای معلولین در آلمان فقط دسترسی به یک سوم مطب‌های پزشکان امکان‌پذیر است.
  - (۳) در آلمان فقط یک سوم تحقیقات عملی پزشکی به معلولین اختصاص داده می‌شود.
  - (۴) برای ویلچررئان در آلمان نسبت تخصیص تحقیقات عملی پزشکی یک به سه است.
- 6- Boeing hebt nach einem Gewinnanstieg im zweiten Quartal seine Prognose für das Gesamtjahr an und rechnet mit einem Ergebnis je Aktie von 7,00 bis 8,00 Dollar.**
- (۱) شرکت هواپیمایی بوئینگ بعد از بالا رفتن سود حاصله در سه ماهه دوم، با افزایش پیش‌بینی سود خود در طی سال، برای سهام شرکت سود هفت تا هشت دلار را در نظر گرفته است.
  - (۲) شرکت هواپیمایی بوئینگ بعد از بالا رفتن سود در چهار ماه دوم، برنامه پیش‌بینی شده خود را برای کل سال وسعت بخشیده و احتمال سودی برابر با هفت تا هشت دلار برای هر نوع سهامی را می‌دهد.
  - (۳) شرکت هواپیمایی بوئینگ بعد از افزایش سود در سه ماهه دوم، دورنمای افزایش سود را به کل سال تعمیم داده است و انتظار سود حاصله در هر سهام از هفت تا هشت دلار را دارد.
  - (۴) شرکت هواپیمایی بوئینگ بعد از بالا رفتن سود حاصله در چهارماه دوم، بر برنامه از پیش تعیین شده در کل سال تأکید کرده است و روی سود هفت تا هشت دلار در هر سهام حساب می‌کند.
- 7- Nur wer geschäftsfähig ist, darf auch der Geschäftsführer einer Firma sein.**
- (۱) فقط شخصی که اهلیت عقد قرارداد را دارد، می‌تواند حسابرس یک شرکت باشد.
  - (۲) فقط شخصی که توانایی مالی بالایی دارد، اجازه تصدی ریاست یک شرکت را خواهد داشت.
  - (۳) فقط شخصی که از صلاحیت حقوقی برای عقد قرارداد برخوردار است، می‌تواند مدیر عامل یک شرکت باشد.
  - (۴) فقط شخصی که توانایی انجام معاملات را دارد، مجاز است که به‌عنوان مدیر تجاری یک شرکت فعالیت داشته باشد.
- 8- Ein Gericht in Kabul befand einen des Mordes und des Amtsmissbrauchs verurteilten Polizisten für schuldig, hieß es nach offiziellen Angaben.**
- (۱) طبق اطلاعات درج شده اداری، دادگاهی در کابل یک پلیس متهم به قتل و سوءاستفاده از مقام را گناهکار اعلام کرد.
  - (۲) طبق اطلاعات اداری رسیده، دادگاهی در کابل یک پلیس محکوم به ارتکاب قتل و سوءاستفاده از مقام را گناهکار اعلام کرد.
  - (۳) بنا به اظهارات درج شده در محافل رسمی، دادگاهی در کابل یک پلیس محکوم به مرگ و سوءاستفاده از منصب را مجرم اعلام کرد.
  - (۴) بنا به اخبار رسیده از منابع رسمی، دادگاهی در کابل یک پلیس متهم به ارتکاب قتل و سوءاستفاده از جایگاه شغلی را مجرم اعلام کرد.
- 9- Einem Politiker muss man in seiner eigenen Sprache antworten.**
- (۱) با یک سیاستمدار باید در شأن وی سخن گفت.
  - (۲) با یک سیاستمدار باید به زبان خود وی حرف زد.
  - (۳) به یک سیاستمدار باید خیلی رک و پوست‌کنده پاسخ داد.
  - (۴) به یک سیاستمدار باید به زبانی پاسخ داد که در شأن او باشد.

**10- Aber den Schulen war damals alles zuzutrauen. Sie versuchten sogar, uns im Luftschuttkeller Dreisatz beizubringen, obwohl wir die Artillerie schon hörten.**

- (۱) آن روزها هرکاری بگویی از مدرسه‌ها برمی‌آمد. حتی سعی می‌کردند در پناهگاه‌ها «تناسب» هم یادمان بدهند، حال آن‌که صدای توپ و تفنگ هم بیخ گوشمان می‌آمد.
- (۲) آن روزها مدرسه‌ها جرأت هر کاری را داشتند. می‌خواستند در مقر پدافند هوایی، در حالی که صدای توپ و تفنگ به گوش می‌رسید، سه تا جمله را به ما یاد بدهند.
- (۳) در آن روزگار انتظار هر چیزی را می‌شد از مدرسه‌ها داشت. حتی می‌خواستند در هیاهوی پدافند هوایی و صدای توپ و تفنگ، سه جمله‌ای را در گوش ما فرو کنند.
- (۴) آن وقت‌ها می‌شد به مدرسه‌ها در همهٔ زمینه‌ها اعتماد کرد. حتی سعی می‌کردند در سنگر «معادلات سه‌جمله‌ای» را هم در سر ما فرو کنند، حال آن‌که از آن طرف صدای توپ و تفنگ به گوش می‌رسید.

**11- Demnächst werden einige von Hansa den blauen Brief kriegen, denn Trainer Pagelsdorf mistet gnadenlos aus.**

- (۱) به دلیل برخورد خشن پاگل‌س دورف مربی هانزا با بازیکنان این تیم، تعدادی از آن‌ها به‌زودی از هانزا جدا خواهند شد.
- (۲) از آنجا که پاگل‌س دورف مربی هانزا در کارش بسیار سختگیر است، تعدادی از بازیکنانش به‌زودی تیم هانزا را ترک خواهند کرد.
- (۳) به دلیل کارنامه ناموفق پاگل‌س دورف که مربیگری هانزا را برعهده دارد، به‌زودی تعدادی از بازیکنان اخراجی این تیم به زمین باز خواهند گشت.
- (۴) پاگل‌س دورف مربی هانزا بدون هرگونه ملاحظه‌ای مشغول غربال تیمش است. به همین علت قرارداد تعدادی از بازیکنان این تیم به‌زودی لغو خواهد شد.

**12- Der Mensch ist ein Wesen, das überwunden werden muss, und darum soll man seine Tugenden lieben.**

- (۱) انسان موجودی است که باید او را شکست داد و به همین خاطر باید ویژگی‌هایش را ارج نهاد.
- (۲) آدمی موجودی است که باید بر او فائق آمد، هم از این روست که باید فضیلت‌هایش را دوست داشت.
- (۳) انسان موجودی است که باید قدر خویش را بداند، زیرا عشق‌ورزی به نیکی‌های خویش سر آغاز بنیاد اوست.
- (۴) انسان موجودی است که باید بر خویشتن خویش پیروز شود و بدین جهت باید که نیکی‌هایش را عاشقانه پاس داشت.

**13- Die ersten Zeugnisse der neupersischen Literatur tauchen im Osten, weit entfernt vom Zentrum des Kalifats, auf und beschränken sich bis ins 10. Jahrhundert auf Transoxanien und Chorâsân.**

- (۱) نخستین آثار ادبی به زبان فارسی نو در شرق و نواحی بین‌النهرین و خراسان که تا سده دهم میلادی بسیار دور از مرکز خلافت بود، محدود می‌شد.
- (۲) نخستین شواهد کارنامه‌های ادبیات فارسی به خاور، در جایی که تا سده دهم میلادی بسیار دور از دسترس خلافت مرکزی بود، و به خراسان و ترانس اوکسان منحصر می‌شد.
- (۳) آثار ادبی اولیه به زبان پارسی نوین در سده دهم میلادی، در خاور، یعنی در بین‌النهرین و خراسان که بسیار دور از مرکز خلافت بودند، به‌وجود آمدند.
- (۴) نخستین شواهد ادبیات به زبان پارسی نوین در شرق و در نقطه‌ای بسیار دور از مرکز خلافت به ظهور رسیدند و این آثار تا سده دهم میلادی به نواحی ماوراءالنهر و خراسان محدود می‌شدند.

- 14- **Von wegen charmanter Gendarm. Französische Polizisten stehen im Ruf, handfeste Zulanger zu sein.**
- (۱) ژاندارم‌های فرانسوی اصلاً هم آدم‌های خوشایندی نیستند، اتفاقاً، این رفتار خشونت‌آمیز پلیس فرانسه است که زبانزد همه است.
  - (۲) خیال نکنید که ژاندارم فرانسوی آدم پاکی است، اتفاقاً شهرت پلیس‌های فرانسوی در این است که آدم‌های رشوه‌گیری هستند.
  - (۳) اصلاً و ابداً پلیس‌های فرانسوی ممکن است ژاندارم‌های مؤدبی نباشند، اما از دید مردم قطعاً آدم‌های خشنی هم نیستند.
  - (۴) پلیس‌های فرانسوی شاید ژاندارم‌های جنتلمنی باشند، اما شهرت آن‌ها بیشتر به‌خاطر جاه‌طلبی و سختگیری آن‌ها است.
- 15- **Eine der wichtigsten UN-Reformen steht damit auf der Kippe.**
- (۱) همزمان با این مسئله، مراحل انجام یکی از اصلاحات سازمان ملل به پایان رضایت‌بخش خود رسیده است.
  - (۲) همین امر باعث شده است تا یکی از مهم‌ترین اصلاحات سازمان ملل به بازدهی مطلوب برسد.
  - (۳) نتیجه اینکه یکی از مهم‌ترین اصلاحات سازمان ملل به سرنوشت میهمی دچار شده است.
  - (۴) بالاخره یکی از اصلاحات سازمان ملل در حال رسیدن به مرحله بهره‌برداری است.
- 16- **Kein Feuer, keine Kohle kann brennen so heiß als heimliche Liebe, von der niemand nichts weiß.**
- (۱) هیچ آتشی، هیچ زغالی چنین داغ نتواند سوخت جز عشق نهان که کس نداند از آن هیچ.
  - (۲) هیچ شعله‌ای، هیچ زغالی با این حرارت نتواند سوخت جز عشق پنهانی که هیچکس نرود از آن برون.
  - (۳) نه آتش، نه زغال این چنین باحرارت نشاید سوخت مگر عشق پایدار که کس نداند از آن هیچ.
  - (۴) نه شعله، نه زغال با این حرارت نشاید سوخت مگر عشق قلبی که هیچکس نداند از آن هیچ.
- 17- **Viele Verlage sind im Umgang mit Schriftstellern wählerisch. Debütanten mit bereits vorhandener Fangemeinde sieht jeder Verlag gern.**
- (۱) نویسندگانی که از حمایت آدم‌های محبوب برخوردارند، مورد علاقه هر ناشری هستند.
  - (۲) ناشرین از نویسندگان تازه‌کاری که طرفدارانی برای خود دست و پا کرده‌اند، استقبال می‌کنند.
  - (۳) نویسندگان جدیدی که از محبوبیت خاصی برخوردارند، از همکاری با هر ناشری استقبال خواهند کرد.
  - (۴) انتشاراتی‌ها مایل به همکاری با نویسندگانی هستند که سرشناس بوده و برای خود طرفدارانی دست و پا کرده‌اند.
- 18- **Das Online-Angebot des Portals kinax.to ist dem geschlossenen Portal kina.to nachempfunden.**
- (۱) خدمات برخی درگاه غیرفعال kina.to شبیه به خدماتی است که در درگاه اینترنتی kinax.to ارائه می‌شود.
  - (۲) درگاه اینترنتی kinax.to در ارائه خدمات آنلاین از درگاه مسدود شده kina.to الگوبرداری کرده است.
  - (۳) پورتال اینترنتی kinax.to در قیاس با پورتال بسته شده kina.to خدمات برخی بهتری ارائه می‌دهد.
  - (۴) خدمات آنلاین درگاه اینترنتی kinax.to در درگاه غیرفعال kina.to نیز ارائه می‌شود.

**19- Diese Gedichte sind überwiegend rabenschwarz. Witz des Originals ist in der deutschen Übersetzung kaum zu vermitteln.**

- (۱) در این اشعار رنگ سیاه رنگ غالب است و مطایبه اصل اثر نیز در ترجمه آلمانی به سختی حفظ شده است.  
 (۲) بیشتر این اشعار مملو از ایهام است و بذله‌گویی اصل اثر در ترجمه آلمانی به راحتی قابل تشخیص نیست.  
 (۳) اکثر این اشعار فضای دلگیری دارند و در ترجمه آلمانی آن‌ها چندان از طنز اصل اثر خبری نیست.  
 (۴) در این اشعار ناامیدی موج می‌زند و در ترجمه آلمانی آن‌ها از هزل نسخه اصلی تقریباً نشانه‌ای نیست.

**20- Von populistischen Parteien ist nicht mehr zu erwarten als Stimmungsmache - und zwar zugeschnitten auf Wähler, die sich ein vermeintlich goldenes Zeitalter zurückwünschen.**

- (۱) از احزاب پوپولیست انتظاری جز جوسازی نمی‌رود، آن هم برای جذب رأی‌دهندگانی که در انتظار بازگشت عصری به اصطلاح طلایی‌اند.  
 (۲) احزاب پوپولیست کاری غیر از دادن شعارهای توخالی از دستشان برنمی‌آید، آن هم خطاب به رأی‌دهندگانی که ظاهراً دوران طلایی گذشته چراغ راهشان است.  
 (۳) نباید از احزاب پوپولیستی انتظار تبلیغات جوانمردانه را داشت، شعارهای این احزاب باب میل رأی‌دهندگانی است که آرزوی بازگشت هر چند کمرنگ به دوران طلایی گذشته را دارند.  
 (۴) کاری که احزاب پوپولیستی انجام می‌دهند، بازی با احساسات مردم است و البته طبیعی است که مخاطبانشان رأی‌دهندگانی باشند که آرزویشان ظاهراً تکرار دوران پرافتخار گذشته است.

راهنمایی: متن زیر را به دقت بخوانید و مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنید.

**Novelle**

Eine Novelle ist eine ..... (21) Erzählung in Prosaform. Als ..... (22) lässt sie sich nur schwer ..... (23) und oft nur ex negativo von anderen Textsorten ..... (24). Hinsichtlich ..... (25) bemerkte Hugo Aust, die Novelle habe oft eine mittlere Länge, was sich darin zeige, dass sie ..... (26) zu lesen sei. Der Begriff *Novelle* weist auf ..... (27) hin. Häufig wird auch ..... (28) zur italienischen Renaissance-Kirche Santa Maria Novella angeführt, der auf die Zeit der ..... (29) schließen lässt. Als ..... (30) der Novellentradition gilt der Italiener Giovanni Boccaccio aufgrund des von ihm verfassten „Decamerone“ („Zehntagerwerk“).

- |     |                     |                |                     |                |
|-----|---------------------|----------------|---------------------|----------------|
| 21- | 1) breite           | 2) umfassende  | 3) kürzere          | 4) längere     |
| 22- | 1) Art              | 2) Typ         | 3) Sektor           | 4) Gattung     |
| 23- | 1) beurteilen       | 2) definieren  | 3) begutachten      | 4) vorhersagen |
| 24- | 1) unterschreiben   | 2) abgrenzen   | 3) überschreiben    | 4) eingrenzen  |
| 25- | 1) des Umfangs      |                | 2) der Revision     |                |
|     | 3) der Schreibweise |                | 4) der Variabilität |                |
| 26- | 1) wunderbar        |                | 2) unkonventionell  |                |
|     | 3) sukzessive       |                | 4) in einem Zug     |                |
| 27- | 1) Neuheit          | 2) Fatalismus  | 3) Aberglaube       | 4) Konvention  |
| 28- | 1) der Trend        | 2) die Tendenz | 3) der Bezug        | 4) die Neigung |
| 29- | 1) Begründung       | 2) Entstehung  | 3) Erfindung        | 4) Entdeckung  |
| 30- | 1) Protagonist      | 2) Entdecker   | 3) Erfinder         | 4) Begründer   |

راهنمایی: با توجه به متن زیر، به سوال‌های ۳۱ تا ۳۷ پاسخ دهید.

### Schwellenländer und Entwicklungsländer

Ein Schwellenland ist am Anfang oder im fortgeschrittenen Prozess der Industrialisierung, gemessen an wirtschaftlichen Entwicklungsindikatoren. In diesem Stadium ist ein Schwellenland durch einen weitgehenden Umbau der Wirtschaftsstrukturen gekennzeichnet, der von der Agrarwirtschaft zur Industrialisierung führt. Schwellenländer sind meist geprägt durch einen starken Gegensatz zwischen Arm und Reich. Unterschiede zwischen konservativen Kräften und Parteien, die eine Modernisierung erreichen wollen, führen oft zu Spannungen. Am Beispiel des Staates Singapur kann man typische Eigenschaften von Schwellenländern verdeutlichen. Singapur zieht langfristige Großinvestitionen wie z.B. Chemiefabriken oder Raffinerien an, weil es mehr als Geld, Land und Steuernachlässe zu bieten hat: Qualifizierte Arbeiter, politische Berechenbarkeit, Sicherheit, Schutz des geistigen Eigentums, wenig Korruption und eine hohe Lebensqualität. All dies lässt in Schwellenländern zu wünschen übrig. Als eine Ursache für Spannungen und Probleme gilt ein starkes Bevölkerungswachstum. Viele Währungen von Schwellenländern sind von einer hohen Inflation gekennzeichnet sowie von starken Kursschwankungen gegenüber den großen Weltwährungen.

Ein Entwicklungsland ist nach allgemeinem Verständnis ein Land, das hinsichtlich seiner wirtschaftlichen, sozialen und politischen Entwicklung einen relativ zum Durchschnitt unterentwickelten Stand aufweist. Dabei handelt es sich um einen Sammelbegriff für Länder, die nach allgemeinem Sprachgebrauch als „arm“ gelten. Welches Land als Entwicklungsland einzustufen ist oder nicht, hängt vom Maßstab ab, an dem man die Entwicklung eines Landes misst. Für den Begriff „Entwicklungsland“ gibt es eine Vielzahl Synonyme, wie „Dritte Welt“ oder „Vierte Welt“, oder „Trikont“. Diese Begriffe sind – ebenso wie „Entwicklungsland“ – teilweise umstritten und werden von einigen Fachleuten abgelehnt. Kritiker des Begriffs „Entwicklungsland“ wenden beispielsweise ein, dass er etwas suggeriere, das manchmal gar nicht stattfindet – oder auch nicht stattfinden müsse: nämlich Entwicklung. Auch der umgangssprachliche Begriff „Hungerland“ wird in den Medien bei der Veranschaulichung einer Berichterstattung über Hungersnöte in Entwicklungsländern genutzt, ohne dass diesem Ausdruck eine Definition zugrunde liegen könnte.

- 31- Dem Text kann man entnehmen, dass die Länder, die als Dritte Welt bezeichnet werden, .....
- 1) im Falle der Erfüllung gewisser Voraussetzungen als Entwicklungsländer eingestuft werden
  - 2) aus Versehen als Entwicklungsländer eingestuft werden
  - 3) auch als Entwicklungsländer einzustufen sind
  - 4) nicht als Entwicklungsländer einzustufen sind
- 32- Zum Begriff „Entwicklungsland“ gibt es laut dem Text .....
- 1) kontroverse Meinungen
  - 2) einheitliche Auffassungen
  - 3) eine sozial, politisch und wirtschaftlich klare und strukturierte Position
  - 4) einen klaren politischen Standpunkt und eine widersprüchliche soziale Position

- 33- In einem Schwellenland gibt es dem Text entsprechend ..... .
- 1) unterdurchschnittlich Reiche und überdurchschnittlich Arme
  - 2) überdurchschnittlich Reiche und unterdurchschnittlich Arme
  - 3) nicht nur Reiche, sondern auch Arme
  - 4) nur Reiche und keine Armen
- 34- Wenn man im Text vom Problem „Bevölkerungswachstum“ spricht, vertritt man da den folgenden Standpunkt: ..... .
- 1) Die nach Westen orientierten Geburtenraten
  - 2) Die sinkenden Geburtenraten
  - 3) Die niedrigen Geburtenraten
  - 4) Die hohen Geburtenraten
- 35- Das Beispiel „Singapur“ zeigt, ..... .
- 1) dass nicht alle Schwellenländer einen vergleichbaren Prozess der Industrialisierung aufweisen
  - 2) dass alle Schwellenländer einen vergleichbaren Prozess der Industrialisierung aufweisen
  - 3) dass die Schwellenländer ernsthaft dem Prozess der Industrialisierung im Westen folgen
  - 4) dass die Schwellenländer nicht gern dem Prozess der Industrialisierung im Westen folgen
- 36- Welcher der folgenden Sätze kann dem Text entsprechend richtig sein?
- 1) Die wirtschaftliche Lage der Schwellenländer kann mit den Industriestaaten mithalten.
  - 2) Die wirtschaftliche Lage der Schwellenländer ist mit den Industriestaaten fast vergleichbar.
  - 3) Die wirtschaftliche Lage der Schwellenländer ist gegenüber den Industriestaaten nicht stabil.
  - 4) Die wirtschaftliche Lage der Schwellenländer ist gegenüber den Industriestaaten sehr stabil.
- 37- Ein Land wird nur dann als ein Entwicklungsland bezeichnet, wenn dieses Land ..... .
- 1) einen unentwickelten Stand aufweist
  - 2) einen gewissen entwickelten Stand erreicht hat
  - 3) eine überdurchschnittliche Entwicklung hinter sich hat
  - 4) eine überdurchschnittliche Entwicklung aufzuweisen hat

راهنمایی: با توجه به متن زیر، به سوال‌های ۳۸ تا ۴۵ پاسخ دهید.

**Und was beklagen wir morgen?**

Man gönnt sich ja sonst nichts: Ein in der Geschichte der deutschen Gerichtsbarkeit wohl bislang einmaliger Fall wurde am Freitag vor dem Berliner Amtsgericht „Tiergarten“ verhandelt. Gartenzwerge sollten gegen das Versammlungsverbot verstoßen haben! Es war angeklagt, zwei Tage vor dem öffentlichen Gelöbnis von Bundeswehrrekruten vor dem Schloss Charlottenburg 450 Gartenzwerge zu einer Parade aufgestellt und dadurch gegen das Versammlungsgesetz verstoßen zu haben. Denn seinerzeit hatte auf dem Platz ein striktes Versammlungsverbot gegolten. Der Angeklagte im Berliner Prozess fand die Entwicklung der ganzen Sache sicher ziemlich



- 47- **Passiv des Satzes „Der Direktor wird morgen die Schüler ermahnen“ lautet:**  
.....  
1) Die Schüler werden morgen vom Direktor ermahnt  
2) Die Schüler werden morgen vom Direktor ermahnt sein  
3) Die Schüler werden morgen vom Direktor ermahnt werden  
4) Die Schüler werden morgen vom Direktor ermahnt worden sein
- 48- **Für 2. Person Singular Futur 2 gilt der folgende Satz: .....**  
1) Du hast bald ausgelacht worden sein  
2) Du wirst bald ausgelacht haben  
3) Du hast bald ausgelacht haben  
4) Du wirst bald ausgelacht sein
- 49- **Man hat ..... vor einiger Zeit ..... verdächtigt.**  
1) meines Freundes – dem Diebstahl  
2) meinem Freund – den Diebstahl  
3) meinen Freund – dem Diebstahl  
4) meinen Freund – des Diebstahls
- 50- **Das Gericht hat ..... verurteilten ..... schuldig befunden.**  
1) den des Mordes – Polizisten  
2) dem den Mord – Polizisten  
3) dem des Mordes – Polizist  
4) den dem Mord – Polizist
- 51- **Die Akte des neuen ..... ist noch nicht bearbeitet worden.**  
1) Beamte  
2) Beamter  
3) Beamters  
4) Beamten
- 52- **Bestimmen Sie die Art der Konjunktion „dass“ in dem Satz „Wir gehen regelmäßig zum Zahnarzt, dass unsere Zähne gesund bleiben“!**  
1) lokal  
2) kausal  
3) modal  
4) temporal
- 53- **Es ..... ihn kalt ..... dem Gedanken an die grauenhafte Gefahr .....**  
1) überlief / bei / -  
2) überlief / vor / -  
3) lief / bei / über  
4) lief / vor / über
- 54- **Die Wortart des im Satz unterstrichenen Wortes ist .....**  
**Einstweilen versuchen sie, das amtliche Diktat durch geeignete Wortwahl zu unterlaufen.**  
1) Adverb  
2) Präposition  
3) Partikel  
4) Modalwort
- 55- **Alle behaupten, sie hätten ihn mit dem verdächtigen Mann gesehen, nur er .....**  
**..... ihn nicht kennen.**  
1) mag  
2) will  
3) kann  
4) soll

ترجمه متون فارسی به آلمانی:

راهنمایی: مناسب‌ترین ترجمه برای جمله‌ها و عبارات سوال‌های ۵۶ تا ۷۵، کدام است؟

۵۶- بدین وسیله به اطلاع می‌رساند که آقای .... از تاریخ .... به مقام رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در برلین ارتقا یافته‌اند.

- 1) Hiermit wird mitgeteilt, dass Herr ... vom .... an, den Rang des Kulturoberhauptes der Botschaft der IRI in Berlin inne hat.
- 2) Hiermit wird Ihnen mitgeteilt, dass Herr ... vom .... an zum Kulturreferenten der Botschaft der IRI in Berlin ernannt worden ist.
- 3) Hiermit wird Ihnen mitgeteilt, dass Herr ... mit Wirkung vom .... zum Kulturoberhaupt der Botschaft der IRI in Berlin degradiert worden ist.
- 4) Hiermit wird mitgeteilt, dass Herr ... mit Wirkung vom .... zum Kulturreferenten der Botschaft der IRI in Berlin befördert worden ist.

۵۷- سفیر جدید تام‌الاختیار جمهوری اسلامی ایران استوارنامه خود را تقدیم و اداره امور سفارت را به عهده گرفته است.

- 1) Der neue bevollmächtigte Botschafter der IRI hat sein Beglaubigungsschreiben überreicht und die Verwaltung der Botschaft übernommen.
- 2) Der neue bevollmächtigte Botschafter der IRI hat sein Zuständigkeitschreiben überreicht und die Angelegenheiten für die Führung der Botschaft übernommen.
- 3) Der neue vollbefugte Botschafter der IRI hat sein Verwaltungsschreiben eingereicht und die Verantwortung für die Führung der Botschaft übernommen.
- 4) Der neue vollbefugte Botschafter der IRI hat sein Vollmachtsschreiben eingereicht und die Angelegenheiten für die Verwaltung der Botschaft übernommen.

۵۸- دارندگان سه چهارم سرمایه شرکت می‌توانند مرکز شرکت را به هر کجا که صلاح می‌دانند، منتقل و یا شعب تأسیس نمایند.

- 1) Dreiviertel der Anteilhaber der Firma darf die Zentrale der Gesellschaft an jeden Ort, den sie für richtig hält, versetzen oder Filialen gründen lassen.
- 2) Dreiviertel der Anteilhaber des Eigenkapitals der Gesellschaft darf das Zentrum der Gesellschaft an jeden Ort, den es für richtig hält, verlegen oder Filialen gründen.
- 3) Die Anteilhaber vom Dreiviertel des Kapitals der Gesellschaft dürfen die Zentrale der Gesellschaft an jeden Ort, den sie für geeignet halten, verlegen oder Niederlassungen gründen.
- 4) Die Anteilhaber des Dreiviertels vom Eigenkapital der Firma dürfen das Zentrum der Gesellschaft an jedem Ort, den sie für geeignet halten, festlegen oder Niederlassungen gründen lassen.

۵۹- در آمریکا بار دیگر یک مورد از اعدام زجرآور رخ داده است. یک قاتل متهم به قتل دو نفر، دو ساعت و نیم بعد از تزریق سم جان سپرد.

- 1) In den USA ist erneut eine grauenvolle Exekution geschehen. Ein zweifach verurteilter Mörder hat erst zweieinhalb Stunden nach einer Giftinjektion sein Leben gelassen.
- 2) In den USA ist wieder eine quälende Hinrichtung geschehen. Ein zu zweifachen Morden verurteilter Mörder hat erst zweieinhalb Stunden nach einer Giftspritze sein Leben gelassen
- 3) In den USA hat es wieder eine grauenvolle Hinrichtung gegeben. Ein zwei Male einen Mord begangener Mörder ist erst zweieinhalb Stunden nach einer Giftspritze gestorben.
- 4) In den USA hat es erneut eine qualvolle Exekution gegeben. Ein zweifacher Mörder ist erst zweieinhalb Stunden nach einer Giftinjektion gestorben.

۶۰- یک جوان هفده ساله که درصدد بود با هواپیمای یک موتور خود دور دنیا را بچرخد، به دریا سقوط کرد و جان سپرد.

- 1) Ein 17 Jahre alter Junge, der die Absicht hatte, mit seinem einmotorigen Flugzeug die Welt zu umdrehen, ist ins Meer gestürzt und ums Leben gekommen.
- 2) Ein 17 Jahre alter Junge, der mit seinem einmotorigen Flugzeug die Welt umrunden wollte, ist ins Meer gestürzt und gestorben.
- 3) Ein siebzehnjähriger Junge, der die Absicht hatte, mit seinem einmotorigen Flugzeug die Welt umzurunden, ist ins Meer abgestürzt und gestorben.
- 4) Ein siebzehnjähriger Junge, der mit seinem einmotorigen Flugzeug die Welt umzudrehen versuchte, ist in den See abgestürzt und ums Leben gekommen.

۶۱- اگر رئیس ببیند که چه دسته گلی به آب داده‌ای، از کوره در می‌رود.

- 1) Wenn der Boss sieht, was du angetan hat, legt er sich quer.
- 2) Wenn der Boss sieht, was du angetan hast, nimmt er Reißaus.
- 3) Wenn der Chef sieht, was du angerichtet hast, springt er im Quadrat.
- 4) Wenn der Chef sieht, was du angerichtet hast, gerät er außer Rand und Band.

۶۲- من واقعاً نهایت سعی خود را کردم، اما دیگر عقلم به جایی نمی‌رسد.

- 1) Ich habe wirklich alles versucht, aber jetzt weiß ich nicht mehr weiter.
- 2) Ich habe wirklich alles probiert, aber jetzt bin ich mit meinem Kräften am Ende.
- 3) Ich habe wirklich alles auf die Waage gelegt, aber jetzt bin ich mit meinem Latein am Ende.
- 4) Ich habe mich wirklich überall herumkommandieren lassen, aber jetzt weiß ich wirklich nicht mehr, wohin.

۶۳- سکوت علامت رضاست.

- 1) Wer schweigt, scheint er hoch zufrieden zu sein.
- 2) Wer schweigt, erweckt den Anschein, als stimme er zu.
- 3) Wer kein Wort sagt, scheint er mit allem zurecht zu kommen.
- 4) Wer kein Wort sagt, erweckt den Anschein, als sei er zufrieden.

۶۴- درآمد متوسط سرانه در کشورهای توسعه یافته بالغ بر ۶۹۹ دلار در سال می باشد.

- 1) Das durchschnittliche Gehalt pro Person in einem Entwicklungsland beträgt jährlich über 699 US-Dollar.
- 2) Das durchschnittliche Pro-Kopf-Einkommen in einem Schwellenland beträgt über 699 US-Dollar pro Jahr.
- 3) Das Durchschnittseinkommen einer Person in einem Entwicklungsland beträgt jährlich über 699 US-Dollar.
- 4) Das gesamte Durchschnittsgehalt einer Person in einem Schwellenland beträgt über 699 US-Dollar pro Jahr.

۶۵- بی آن که از محبت مادرانه خود خجالتی داشته باشد، دست کودک را به لب برد و بوسید.

- 1) Sie war wegen ihrer mütterlichen Freundlichkeit nicht im Geringsten beschämt, deshalb zog die Hand des Kindes zu ihrer Lippe und küsste sie.
- 2) Sie nahm dem Kinde die Hand und küsste sie, ohne sich wegen dieses Benehmen, welches von ihrer mütterlichen Liebe zeugte, blamiert zu fühlen.
- 3) Ohne sich zu genieren, küsste sie dem kleinen Kind die Hand, wobei sie dadurch ihre mütterliche Liebe zur Schau stellte.
- 4) Ohne sich ihrer mütterlichen Liebe zu schämen, zog sie die Hand des Kindes zu ihren Lippen und gab ein Küsschen darauf.

۶۶- در پی انتشار اخباری مبنی بر برکناری چاک هیگل وزیر دفاع امریکا، وی سفر خود به ویتنام و میانمار را لغو کرد.

- 1) Wegen der gerüchtmäßigen Berichte in Medien über die Kündigung von Chuck Hagel, dem Minister für Verteidigung der USA, hat er seine Reise nach Myanmar und Vietnam vorzeitig verschoben.
- 2) Der Wehrminister der USA, Chuck Hagel hat seine Reise nach Myanmar und Vietnam abgesagt, weil angeblich Berichte veröffentlicht wurden, die besagen sollen, dass er gekündigt habe.
- 3) Infolge der Veröffentlichung gewisser Berichte über die Ablösung des US-Verteidigungsministers Chuck Hagel, sagte er seine geplante Reise nach Myanmar und Vietnam ab.
- 4) Nach der öffentlichen Nachricht, die den Rücktritt von Chuck Hagel, dem US-Verteidigungsminister zum Inhalt hatte, hat er seinen Flug nach Myanmar und Vietnam storniert.

۶۷- کمتر از بیست روز مانده به پایان مهلت مذاکرات هسته‌ای برای رسیدن به یک توافق قطعی، عده‌ای بر این باورند که بازیگرانی مانند نتانیا‌هو، نخست‌وزیر رژیم اسرائیل و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس با هر گونه توافقی مخالف هستند.

- 1) Knapp zwanzig Tage vor dem Fristablauf der Atomgespräche, um ein endgültiges Übereinkommen zu erreichen, sollen einige Akteure u.a. Netanjahu, der Ministerpräsident des israelischen Regimes, sowie manche Golfstaaten gegen jegliche Übereinkunft sein.
- 2) Weniger als zwanzig Tage vor dem Gesprächsende über das Atomprogramm, gehen einige davon aus, dass bestimmte Marionetten wie Netanjahu, der Ministerpräsident von Israel und auch einige Golfstaaten jedes Übereinkommen sabotieren wollen.
- 3) Zwanzig Tage vor dem Ende der Atomgespräche über ein festgesetztes Übereinkommen meinen manche, dass einige Scheinpolitiker wie Netanjahu, der Ministerpräsident von Israel und einige Golfstaaten jedem Übereinkommen widersprechen.
- 4) Schon zwanzig Tage vor dem Fristende der Atomgespräche, die ein endgültiges Einverständnis in Aussicht haben sollen, glauben manche, dass Schauspieler wie Netanjahu, der Ministerpräsident vom israelischen Regime sowie einige Golfstaaten mit jedem Übereinkommen unzufrieden sind.

۶۸- بدون شک اکثر داستان‌های این نویسنده، باز نمود وضعیت پس از جنگ‌اند، ولی او مستقیم وارد میدان جنگ و پیامدهای آن نمی‌شود.

- 1) Zweifelsohne spiegeln die meisten Erzählungen dieses Autors den Nachkriegszustand wider, dabei greift er nicht unmittelbar in das Kriegsgeschehen und seine Folgen ein.
- 2) Nichtsdestotrotz beschreibt dieser Autor im Großteil seiner Romane die Lage nach dem Krieg, ohne jedoch ein bestimmtes Urteil über den Krieg und seine Folgen zu fällen.
- 3) In vielen seiner Erzählungen stellt der Autor gewisse Reflexionen über den Nachkriegszustand an, dabei greift er nicht mittelbar in den Krieg und seine Folgen ein.
- 4) Gewiss stellt der Autor in vielen seiner Erzählungen zur Nachkriegssituation Überlegungen an, er äußert sich jedoch nicht direkt über den Krieg und die Konsequenzen daraus.

۶۹- وقتی کسانی مؤلفه‌های نظری شعر نیما را مورد انتقاد قرار دادند و در مقابل آن مؤلفه‌های دیگری را معرفی کردند، وضع واژه "پسانیمایی" محلی از اعراب پیدا کرد.

- 1) Der Begriff »Post-Nima-Poesie« entstand, als Nimas Gegner sein theoretisches Konzept zu Lyrik in Kritik zogen und ihm ihr eigenes aufzwingen wollten.
- 2) Der Begriff »Post-Nima-Lyrik« entstand, als Nimas Art, Gedichte zu schreiben, in Kritik geraten war und man die moderne Poesie mit anderen Maßstäben messen wollte.
- 3) Nachdem man die formalen Regeln Nima'scher Lyrik für unzeitgemäß hielt und ihnen andere gegenüberstellte, kam die Zeit, über den Begriff »Post-Nima-Lyrik« nachzudenken.
- 4) Als einige anfangen, die gedanklichen Aspekte Nima'scher Lyrik in Frage zu stellen und ihnen andere entgegenzusetzen, war es an der Zeit, den Begriff »Post-Nima-Lyrik« aufzugreifen.

۷۰- نویسندگان کلاسیک آثار ادبی خویش را با معیارهای ادبی یونان و روم محک می‌زدند، ولی رمانتیست‌ها از ادبیات مسیحی سده‌های میانی الهام می‌گرفتند.

- 1) Die klassischen Autoren maßen der antiken Literatur sehr große Bedeutung bei, die Romantiker versuchten jedoch im Gegenteil, die christlich geprägte Literatur des Mittelalters nachzuzahlen.
- 2) Die Autoren der Klassik maßen ihre Werke am literarischen Maßstab der Antike, während die Romantiker sich von christlich geprägter Literatur des Mittelalters inspirieren ließen.
- 3) Während die klassischen Autoren für die griechisch-römische Literatur Maßstäbe gesetzt hatten, inspirierten sich die romantischen Dichter an christlich geprägter Literatur des Mittelalters.
- 4) Während die Klassiker römische und griechische Literatur anpriesen, erstrebten die Romantiker die Qualität christlich orientierter, mittelalterlicher Literatur.

۷۱- زبان دری، زبان شهرهای مداین است و کسانی که در دربار شاه بودند به آن گفت‌وگو می‌کردند.

- 1) Dari wurde in Madain und am königlichen Hof gesprochen.
- 2) Die Sprache Dari wurde am Hofe des Königs in Madain gesprochen.
- 3) Dari war die offizielle Amtssprache in Madain und bedeutet königlich.
- 4) Die Sprache Dari wurde an den Höfen der Perserkönige in Madain gesprochen.

۷۲- آنچه از نقد در نظر اول به ذهن متبادر می‌شود، ایراد گرفتن از یک اثر علمی و هنری است، اما در واقع نقد، علم ارزیابی و سنجش میزان اعتبار علمی یک اثر است که قواعد و اصول خاص خود را دارد.

- 1) Der erste Gedanke beim Wort »Kritik« ist, ein künstlerisches bzw. wissenschaftliches Werk genauer unter die Lupe nehmen zu wollen.
- 2) Der erste Gedanke, der einem bei dem Begriff »Kritik« einfällt, ist womöglich: Man will durch Kritik ein Kunstwerk bzw. eine wissenschaftliche Arbeit stark verunglimpfen.
- 3) Der erste Gedanke bei dem Begriff »Kritik« lautet: Man beabsichtigt dadurch, an einem Kunstwerk bzw. einer wissenschaftlichen Arbeit etwas auszusetzen.
- 4) Der erste Gedanke, der einem bei dem Wort »Kritik« durch den Kopf geht, ist, ein künstlerisches bzw. wissenschaftliches Werk beurteilen zu wollen.

۷۳- بخت النصر برای رضایت خاطر همسرش باغ‌های مرتفعی را بنا کرد که این باغ‌ها به باغ‌های معلق بابل معروف و از عجایب هفتگانه دنیا به‌شمار می‌رفتند.

- 1) Hängende Gärten von Babylon gehören bekanntlich zu den sieben Weltwundern, diese mehrstöckigen Gärten hatte Nebukadnezar in Absprache mit seiner Gemahlin erbaut.
- 2) Seiner Gemahlin zuliebe erbaute Nebukadnezar manche hoch gelegene Gärten, die als Hängende Gärten von Babylon bekannt wurden, sie gehören zu den sieben Weltwundern.
- 3) Nebukadnezar errichtete aus Respekt zu seiner Frau etliche hohe Gärten, die Schwebende Gärten von Babylon genannt werden und Teil der sieben Weltwunder sind.
- 4) Um seine Gemahlin von ihrer Trennungsabsicht abzubringen, erbaute Nebukadnezar Schwebende Gärten von Babylon, sie gehören zu den sieben Weltwundern.

۷۴- مردم ایران باستان معتقد بودند که در شب یلدا تاریکی و اهریمن در قوی‌ترین حالت خود قرار دارد و برای در امان بودن از خطر اهریمن، در این شب همه دور هم جمع می‌شدند.

- 1) Im alten Persien glaubten die Menschen, der Ahriman befände sich in Yalda-Nacht in seinem stärksten Zustand; sie schützten sich vor ihm, indem sie die Nacht Wache hielten.
- 2) Die Altperser dachten, in der Yalda-Nacht würde der Ahriman leibhaftig vor ihnen stehen, so versammelten sie sich, um sich vor seiner Feindseligkeit zu schützen.
- 3) In der Nacht der Wintersonnenwende sei der Luzifer in seiner schlimmsten Laune, glaubten die Altperser; so versammelten sie sich, um die Nacht zu überstehen.
- 4) Die alten Perser glaubten, in der Nacht der Wintersonnenwende sei der Ahriman am stärksten; und um sich vor ihm zu schützen, kamen sie in dieser Nacht zusammen.

۷۵- آریو برزن یکی از سرداران بزرگ تاریخ ایران است که در سال ۳۳۱ پیش از میلاد مسیح در برابر یورش اسکندر مقدونی به ایران زمین، دلیرانه مقاومت کرد و در این راه جان باخت.

- 1) Aryobarzan war einer der größten Befehlshaber Persiens, verteidigte im Jahre 331 v. Chr. sein Land gegen Alexander von Mazedonien erfolgreich, strich aber dann die Segel.
- 2) Aryobarzan, der 331 christl. Zeitrechnung heldenhaft gegen Alexander den Mazedonier kämpfte und eines ehrenhaften Todes starb, war einer der größten Satrapen Altpersiens.
- 3) Aryobarzan war einer der größten Heerführer Persiens, der 331 v. Chr. gegen Alexander von Mazedonien tapfer Widerstand leistete und einen ehrenhaften Tod erlitt.
- 4) Aryobarzan, größter Heerführer in der Geschichte Persiens, leistete im Jahre 331 erheblichen Widerstand gegen Alexander den Mazedonier, ließ aber im Krieg sein Leben.

راهنمایی: متن زیر را به دقت خوانده و به سوال‌های ۷۶ تا ۸۲ پاسخ دهید.

داستان نویسی جدید در ایران

از شمار نویسندگانی که ابتدا پس از ۱۳۲۰ شروع به نوشتن کردند، باید از صادق چوبک نام برد. نخستین مجموعه داستان چوبک، «خیمه شب بازی» به سال ۱۳۲۴ و مجموعه دیگر او، «آنتری که لوطی‌اش مرده بود» چهار سال بعد انتشار یافت. داستان‌های این دو اثر، که با استقبال فراوان منتقدان روبه‌رو شد، نشان‌دهنده آن بود که نویسنده‌ای بزرگ پا به عرصه ادبیات معاصر ایران نهاده است. مجموعه‌های یاد شده از یک سو شامل داستان‌هایی هستند که مضامین و شیوه داستان‌نویسی هدایت را کم و بیش به‌خاطر می‌آورند و از سوی دیگر دربرگیرنده آثار طرح‌مانند و کم‌حجمی هستند که به عکس‌های فوری شباهت دارند. این آثار، که داستان‌های کوتاه و مدرن امریکایی را به یاد می‌آورند، تا آن زمان در ایران پیشینه‌ای نداشتند. یکی از بهترین انواع این داستان‌ها «عدل» نام دارد که دارای محتوایی بسیار ساده است: توصیف اسبی که در جوی آب افتاده و پایش شکسته است. در هیأت اسب ستم‌دیده‌ای که با وجود درد فراوان «ابدأ ناله نمی‌کرد» چوبک سرنوشت مردم وطنش را می‌بیند که با شکیبایی بسیار همه چیز را تحمل می‌کنند و دم بر نمی‌آورند. این موضوع در داستان «قفس» نیز تکرار می‌شود. در اینجا هم قفس که از مرغ و خروس انباشته شده، نمادی است برای جامعه ایرانی که در آن «همه گرسنه‌شان بود. همه با هم بیگانه بودند. همه جا گند بود. همه چشم به راه بودند.» قفس پایان آزادی است، اما از آزادی هم گاهگاه بدان‌گونه که چوبک معتقد است - نمی‌توان بهره برد. در یکی از داستان‌های مجموعه دوم، آنتری توصیف می‌شود که در تمام عمر خود تنها یک آرزو دارد: رهایی از دست لوطی خشن و بی‌رحم خویش. اما هنگامی که لوطی صبحگاهی از خواب دوشین سر بر نمی‌گیرد، حیوان نمی‌داند که باید چکار کند. او آزاد است ولی نمی‌تواند از این آزادی استفاده کند. چوبک، نویسنده‌ای است بدبین، قهرمانان او نه بدان سبب که قربانی بی‌عدالتی‌های اجتماعی‌اند، شوربخت و درمانده‌اند، بلکه دلیل عمده آن سرنوشت فساد پذیر خود آن‌هاست. و این درست همان چیزی است که چوبک را از هدایت که انسان را ذاتاً موجودی پلید نمی‌داند متمایز می‌کند. افزون بر این، شخصیت‌های چوبک تقریباً بدون استثناء افرادی نامتعادل، عصیانگر و بنده غرایز خویشند. بنابراین اگر چوبک در توصیف آنان گاهگاه جانب ادب را نگاه نمی‌دارد و برده‌داری می‌کند، بی‌دلیل نیست.

- 76- Welche der folgenden Feststellungen trifft auf Choobaks Charakter zu?  
Er war .....
- 1) ein notorischer Verächter
  - 2) ein angeborener Naturalist
  - 3) ein pessimistischer Charakter
  - 4) eine melancholische Persönlichkeit
- 77- Der Verfasser des Textes geht wohl davon aus, dass Choobak .....
- 1) die Menschen selbst für ihre sozialen Missstände verantwortlich macht
  - 2) sich durch seine Geschichten explizit auf die damalige politische Diktatur bezieht
  - 3) die Menschen durch seine Erzählungen auf ihre Rechte aufmerksam machen wollte
  - 4) ein düsteres Bild der Obrigkeit aufzeigt, um dadurch eine Revolte heraufzubeschwören
- 78- Welche Aussage ist hinsichtlich der Rezeption der ersten zwei Werke Choobaks korrekt?
- 1) Sie wurden von Kritikern als sehr effizient bezeichnet.
  - 2) Sie wurden von den Kritikern mit Begeisterung aufgenommen.
  - 3) Sie waren kein kommerzieller Erfolg, obwohl sie von den Kritikern positiv bewertet wurden.
  - 4) Sie wurden zwar von den Kritikern geschmäht, aber die Leser waren davon sehr begeistert.
- 79- Choobaks Erzählungen sind mit modernen amerikanischen .....
- vergleichbar.
- |                 |                |
|-----------------|----------------|
| 1) Shortstories | 2) Geschichten |
| 3) Novellen     | 4) Romanen     |
- 80- Welche Feststellung über Choobaks Erzählfiguren trifft zu?  
Sie sind .....
- 1) gemeinhin unausgeglichene, revolutionäre und machtbesessene Menschen
  - 2) prinzipiell voreingenommene, ungehorsame und stark triebhafte Menschen
  - 3) durchweg psychisch labile, rebellische und von ihren Trieben beherrschte Menschen
  - 4) allesamt selbstsüchtige und unbändige Menschen, die von ihren Begierden beherrscht werden
- 81- Welche Ansicht vertrat Hedayat in Bezug auf die menschliche Natur?  
Er war der Ansicht, .....
- 1) alle Menschen hätten einen Hang zum Bösen
  - 2) der Mensch sei nicht von Natur aus böse
  - 3) der Mensch sei das Resultat seiner böswilligen Taten
  - 4) der Mensch könne nichts an ihrem vorbestimmten Schicksal ändern
- 82- Der Verfasser interpretiert »Käfig« aus der gleichnamigen Erzählung von Choobak symbolisch als .....
- |                       |                           |
|-----------------------|---------------------------|
| 1) Zwänge des Alltags | 2) nachsichtige Bürger    |
| 3) unerfüllte Träume  | 4) iranische Gesellschaft |

راهنمایی: متن زیر به دقت خوانده و به سوال‌های ۸۳ تا ۹۰ پاسخ دهید.

#### جنبش غیرمتعهدها

جنبش غیرمتعهدها یا عدم تعهد یک سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۹۶۱ میلادی در اوج جنگ سرد در بلغراد، پایتخت یوگسلاوی، تأسیس شد و شامل کشورهایی می‌شد که به هیچ‌یک از بلوک‌های قدرت نظام جهانی وابستگی و تعهدی نداشتند، یعنی نه در اردوگاه شرق و کمونیسم قرار داشته و نه به اردوگاه غرب و سرمایه‌داری تعلق داشتند. این سازمان با پایان جنگ سرد نیز به فعالیت خود ادامه داده و در حال حاضر در مجموع ۱۲۰ دولت عضو و ۱۷ عضو ناظر دارد. از بنیان‌گذاران جنبش عدم تعهد رهبران برخی از کشورها بودند که در رأس آنها می‌توان از شخصیت‌هایی چون مارشال تیتو رهبر یوگسلاوی، جواهر لعل نهرو نخست وزیر هند، جمال عبدالناصر رهبر مصر و احمد سوکارنو رئیس‌جمهور اندونزی نام برد. ایران که به دلیل عضویت در پیمان نظامی مرکزی سنتو از عضویت در این جنبش محروم مانده بود، در سال ۱۹۷۹ و پس از پیروزی انقلاب به جنبش عدم تعهد پیوست. از جمله اصول این جنبش عبارت است از احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت یکدیگر، برابری و منافع متقابل، همزیستی مسالمت‌آمیز و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر. بالاترین رکن جنبش «اجلاس سران» است که هر سه سال در یکی از کشورهای عضو تشکیل می‌گردد. علاوه بر آن می‌توان از اجلاس سالانه وزیران، اجلاس سالانه کارشناسان، اجلاس سالانه دفتر هماهنگی و نشست‌های تخصصی و دوره‌ای این جنبش نام برد.

- 83- **Der geeignete Titel auf Deutsch ist „ ..... “.**
- 1) Die Bewegung der Unparteiischen Staaten
  - 2) Die Bewegung der Blockfreien Staaten
  - 3) Die Bewegung der Neutralen Staaten
  - 4) Die Bewegung der Freien Staaten
- 84- **Die Bewegung ist eine internationale Organisation von Staaten, ..... .**
- 1) die sich im Ost-West-Konflikt nach dem Zweiten Weltkrieg neutral verhielten
  - 2) die sich gegenüber dem Ost- und Westblock nach dem Zweiten Weltkrieg neu orientierten
  - 3) die im Ost-West-Konflikt nach dem Zweiten Weltkrieg ihre Neutralität nicht erkennen ließen
  - 4) die gegenüber dem Ost- und Westblock nach dem Zweiten Weltkrieg eine überparteiische Macht anstrebten
- 85- **Die Staaten dieser Bewegung ..... .**
- 1) gehören keinem der beiden Militärblöcke an
  - 2) fechten den West- und Ostkonflikt unkonventionell an
  - 3) gehören auf Grund der geographischen Lage einem der beiden Militärblöcke an
  - 4) spielen auf Grund ihrer geographischen Lage im West- und Ostkonflikt eine Vermittlungsrolle
- 86- **Eines der Ziele der Organisation ist ..... .**
- 1) die Gleichberechtigung zwischen den Weltstaaten
  - 2) die Gleichberechtigung zwischen den Mitgliedstaaten
  - 3) die Wiederherstellung der Gleichberechtigung in den Weltstaaten
  - 4) die Wiederherstellung der Gleichberechtigung in den Mitgliedstaaten

- 87- **Die Organisation setzte sich u. a. für ..... ein.**  
 1) die Freiheit der Minderheiten in den Mitgliedstaaten  
 2) den Frieden in den Mitgliedstaaten  
 3) den Frieden in den Weltstaaten  
 4) die friedliche Koexistenz
- 88- **Die Organisation hat nach dem Ende des Kalten Krieges ..... .**  
 1) ihre Politik auf weitere Konflikte ausgeweitet  
 2) ihre Politik neu orientiert  
 3) ihre Tätigkeit fortgesetzt  
 4) ihre Tätigkeit ausgesetzt
- 89- **Dem Text kann man entnehmen, dass die Organisation die Blockbildung in der Zeit des Ost-West-Konfliktes ..... .**  
 1) noch bejahte  
 2) noch nicht verurteilte  
 3) verurteilte  
 4) in Ansätzen begrüßte
- 90- **Iran ..... .**  
 1) ist erst nach der Gründung der Islamischen Republik ein Mitglied der Organisation  
 2) hat man nach der Gründung der Islamischen Republik die Mitgliedschaft entzogen  
 3) war auch vor der Gründung der Islamischen Republik ein Mitglied der Organisation  
 4) hatte man kurz vor der Gründung der Islamischen Republik von der Liste der Mitgliedstaaten gestrichen

راهنمایی: در سوال‌های ۹۱ تا ۱۰۰، گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- 91- **Sie ..... auch ihren zweiten Mann und hat ihn von Anfang an unter dem Pantoffel.**  
 1) zerquetscht      2) degradiert      3) beschimpft      4) beherrscht
- 92- **Ein Gleichnis ist eine bildhafte rhetorische Figur zur Veranschaulichung eines Sachverhalts mittels ..... .**  
 1) eines Symbols      2) einer Metapher  
 3) eines Vergleiches      4) eines Sprachspiels
- 93- **Die ..... aus linguistischer Sicht bedeutet die Übertragung eines Textes in eine andere Sprache.**  
 1) Adaptation      2) Umdichtung  
 3) Paraphrasierung      4) Übersetzung
- 94- **Die Kurzgeschichte ist ..... des englischen Begriffs *short story*.**  
 1) eine Lehnübersetzung      2) ein Lehnwort  
 3) eine Paraphrasierung      4) ein Fremdwort
- 95- **Als ..... wird das zentrale Rechtsdokument eines Staates bezeichnet.**  
 1) Gesetz      2) Statement  
 3) Verfassung      4) Regierung







